

روح خوشبختی

سید صادق سید نژاد
کلکشتی در زندگی بانو امین اصفهانی

اشاره

با ظهور خورشید اسلام، تحول بسیار بزرگی در نوع نگارش به حقایق عالم پدید آمد و نظام ارزشی جامعه به طور کلی از بنیان تغییر یافت. از جمله این تحولات، اصلاح و ارتقاء سطح پیش مردم در توجه به جایگاه زن و حقوق او بود...

علامه طباطبائی (ره) می نویسد: زنان در زمان جاهلیت از مزایای اجتماعی محروم بودند و از خود اراده نداشتند و کارشان برای دیگران بود. در سایر جوامع نیز زن ها به صورت کنیز حاکمان و کارگران زحمت کش و بی مزد آن ها در آمده بودند.^(۱)

«کوستاولین» فرانسوی نیز در این باره می نویسد: اسلام وضع اجتماعی و شئون زن را برخلاف پندارهای باطل برخی اروپاییان به مقدار بسیار زیادی بالا برد. پیش از آمدن اسلام مردها زن را موجودی متوسط میان حیوان و انسان می دانستند... اسلام مقام زن را ارجمند ساخته و بر تری داده است... اسلام نخستین دینی است که اقدام به این کار کرد.^(۲)

بسیاری از ملل پیشین چنین معتقد بودند که عبادت زن در پیشگاه خداوند مقبول نیست. رومی ها و بعضی یونانی ها اعتقاد داشتند که اصولاً زن دارای روح انسانی نیست... در این اواخر علمای مسیحی در این باره بحث می کردند و پس از مباحثه های بسیاری به این تصمیم رسیدند که بگویند چون روح زن بزرگی است، میان انسان و حیوان، جاویدان نیست جز روح مریم (علیها السلام).^(۳)

در هر حال با تصویری که اسلام از زن ارائه کرد و جایگاهی که برای او مشخص نمود، هر روز بیش از پیش، زمینه ی پرورش زنان اندیشمند و با تقوی بزرگی در دامن جامعه اسلام فراهم گشت و هریک از آنان به مانند ستاره های درخشان در آسمان فرهنگ اسلامی به نالو و نور افشانی می پرداختند. در رأس همه ی آن ها بانوی بزرگ اسلام حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) قرار دارند که نه تنها الگوی زنان مسلمان، بلکه جت کامله ی الهی برای جامعه ی بشریت است و لطفه لطفه های زندگی در انسانیت و بزرگواری می آموزد. همواره در طول تاریخ، بانوان پرهیزکار زیادی بوده اند که با تأسی به شیر زنانی چون حضرت فاطمه (علیها السلام) و حضرت زینب (علیها السلام) و... به گونه ای عمل کرده اند که سر آمد دوری خود به حساب می آیند. از جمله ی این بانوان که در عصر ما زندگی می کردند، بانوی مجتهده خانم نصرت امین اصفهانی بودند...

زندگی

علویه دانشور، سرکار خانم امین از جمله بانوان باتقوا و سخت کوشی است که در نتیجه ی پیروی از آموزه های نورانی اسلام به مرتبه ای از کمال و فضیلت دست یافت که مؤسس حوزه ی علمیه ی قم مرحوم آیت الله شیخ عبدالکریم حائری درباری او نوشتند: «میدوارم آن بانو در

چاهایی که گمان اجابت دعا می رود مرا از دعای خیر فراموش نکنند. همان طور که بنده ایشان را از دعای خیر فراموش نمی کنم». وی در سال ۱۳۷۴ ش (ژوئیه یا ۱۳۰۸ ق) در اصفهان چشم به جهان گشود. آثار تیوغ و تیزهوشی از دوران کودکی در سیمایش نمایان بود. از چهار سالگی به فراگرفتن قرآن پرداخت. با این که در پانزده سالگی ازدواج کرد، هرگز همسر داری و تربیت فرزندان، او را از تحصیل علم باز نداشت. در بیست سالگی به تحصیل ادبیات عرب و علوم دینی پرداخت و علی رغم تمام مشکلاتی که در دوران ایشان برای تحصیل بانوان متدین وجود داشت، در چهل سالگی به دنبال سال ها تلاش شبانه روزی به اخذ درجه اجتهاد نائل آمد.

بانوی پرهیزکار، خانم نصرت امین، پس از پشت سر نهادن مدارج علمی در حضور استادانی چون شیخ ابوالقاسم زعفرانی، حسین نظام الدین کجوبی، سید ابوالقاسم دهکردی، میرزا علی آقا شیرازی، میرسید علی نجف آبادی، از دو شخصیت بزرگوار شیخ محمد کاظم شیرازی و شیخ عبدالکریم حائری، مؤسس حوزه ی علمیه ی قم، اجازه اجتهاد دریافت کردند. در قسمتی از اجازه نامه ی مرحوم آیت الله شیرازی در توصیف بانو امین چنین آمده است:

«دختر مرحوم حاج سید محمد علی امین التجار اصفهانی که بانویی بزرگوار، شریف، اصیل، عالم و فرزانه، پرگزیده ی زمان زمان و مایه ی شگفتی دوارش می باشد، از کسانی است که مدت مدیدی از عمرش و زمان درازی از زندگی را صرف تحصیل علم نموده است».

بانو امین از چهل سالگی تا پایان عمر به تألیف کتاب، تدریس و پاسخ گویی به پرسش های دینی و تأسیس مؤسسات فرهنگی مشغول بودند. در این زمینه می توان به تألیف بیش از سی عنوان کتاب اشاره کرد که از جمله ی آن ها است یک دوره تفسیر قرآن کریم در پانزده جلد تحت عنوان مخزن العرفان.

تأسیس مدرسه علمیه ای به نام مکتب فاطمه (علیها السلام) که پائیش از ۶۰۰ تا ۱۰۰۰ شاگرد در سال ۱۳۴۶ آغاز کرد، از دیگر کارهای مهم فرهنگی بانو امین است که در اوضاع بسیار سخت فرهنگی و سیاسی جامعه صورت گرفت و زمینه تحصیل بانوان علاقه مند به آموختن معارف اسلامی را فراهم ساخت. گذشته از این، تأسیس چند دبیرستان دخترانه و تربیت شاگردان برجسته که هر یک هم چون ستاره ای درخشان در آسمان دانش به پرتو افکنی مشغول بودند، بخشی از فعالیت های این اسوه ی دانش و تقوا محسوب می شود.

پس از یک عمر تدریس و تحقیق و تلاش فرهنگی سرانجام بانو نصرت امین، معروف به «بانوی ایرانی» در شب دوشنبه اول رمضان المبارک ۱۴۰۳ ق (مصادف با ۲۳ خرداد ۱۳۴۲ ش) دار فانی را به سوی جهان ابدی ترک کردند. جنازه ی مطهر ایشان در بقعه ی خانوادگی خاندان امین در تخت فولاد اصفهان، به دنبال تشییع کیم نظیر مردم دانش دوست به خاک سپرده شد.

فصلیات

بانو امین از دوران کودکی علاقه ی زیادی به آموختن داشتند. ایشان خود در این باره می گویند: «تقریباً از نه سالگی عشق خواندن و نوشتن در من پیدا شده بود. هم

بازی هایم به من ایوان می گرفتند که چراتو نمی آبی بازی کنی، ولی من عشقم فقط درس بوده. در جای دیگر از استاد معروف خانم امین، آیت الله حاج میر سید علی نجف آبادی، در این باره نقل شده است: «روزی شنیدم فرزندان ایشان فوت کرده، فکر کردم خانم دیگر درس را تعطیل خواهد کرد، ولی برعکس، دو روز بعد دیدم خدمت کار ایشان به سراغ من آمد و از من خواست که برای تدریس به منزل ایشان بروم و من از این علاقه ی او به تحصیل سخت حیرت کردم و وقتی رفتم با کمال تعجب او را آماده تر از همیشه دیدم».^(۴)

فرصت ها

بانو امین در زمینه ی استفاده از فرصت های عمر خود می نویسند: «من در کودکی و اوایل جوانی بسیار سایل و حریص به مطالعه ی کتاب های علمی و گوش دادن به مواعظ دینی بودم و هرگاه نزدیکان من مشغول تفریح می شدند، من به مطالعه ی علمی و گوش دادن به مواعظ دینی مشغول می شدم و آن ها بیشتر اوقات به من اعتراض می کردند و می گفتند: چگونه تو مشغول مطالعه می شوی و تفریح را رها می کنی؟ این کار علاقه نیست؛ بلکه از بطلات و کسالت است و من به جهت اشتیاق شدیدی که به مطالعه داشتم سخنان ناروا و استهزا های آنان را تحمل می کردم و چنان خود را می یافتم که گویا از امور لهو و موزخرف دنیا اعراض دارد و به این ها انس نمی گیرد؛ بلکه قلم به چیز دیگری بستگی دارد. هرگاه از یک عالم یا واعظی چیزی از اوصاف حق تعالی می شنیدم، قلم به سخن او میل مفرطی می نمود. گویا سو تا با گوش می شدم».^(۵)

رنج

خانم امین به مراتب بالاتر از عرفان دست یافته بودند و تمام پیشامدها و گرفتاری های را مایه امتحان و تهذیب نفس انسان می دانستند. یکی از فرزندان ایشان می گوید: «مرحوم والده متأسفانه در طول زندگی درد و رنج جسمی فراوان کشیدند. به یاد دارم که پادرد خیلی شدیدی داشتند که بر اثر آن گاهی مواقع فریادشان به آسمان بلند می شد. ولی یک کلمه حرفی که بوی ناشکری بدهد، هرگز از ایشان شنیده نشد. روزی به ایشان گفتم: شما که یک زن عالمه ی موجد به تمام معنا هستید، چرا باید این قدر زجر و درد بکشید؟ ایشان در پاسخ فرمودند: صوفی نشود صافی تا در نکشد جامی. من باید خالص بشوم. این ها امتحان است، من باید امتحان بدهم».^(۶)

پی نوشت:

- المیزان، ج ۴، ص ۱۶۳.
- تمدن اسلام و عرب، ص ۵۰۱ تا ۵۰۵.
- زنان مرد آفرین تاریخ، ص ۲۲.
- پادنامه ی عالمه مجتهد، حاجیه خانم امین، ص ۱۳.
- نفحات الرحمانیه، ص ۹ و ۱۰.
- مجموعه مقالات و سخنرانی های کنگره بزرگداشت، ص ۲۴.